

## رابطه ی دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی: نقش واسطه‌ای مشکلات بین فردی

خدیدجه علوی<sup>۱</sup>، محمدعلی اصغری مقدم<sup>۲</sup>، عباس رحیمی نژاد<sup>۳</sup>  
حجت‌اله فراهانی<sup>۴</sup> و زهرا علامه<sup>۵</sup>

شیوع رو به رشد و عوارض گسترده ی افسردگی، ضرورت بررسی و آسیب‌شناسی عوامل موثر در این اختلال را آشکار می‌سازد. مطالعه ی اثرهای واسطه‌ای، یک روش استاندارد برای بررسی مدل‌های آسیب‌شناسی به شمار می‌آید. هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی و نقش واسطه‌ای مشکلات بین فردی در این ارتباط بود. بدین منظور، طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، ۵۲۱ نفر (۴۲۰ زن و ۱۰۱ مرد) از دانشجویان سه دانشگاه در تهران (دانشگاه شاهد، دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران) که به شیوه ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، از نظر دوسوگرایی در ابراز هیجان، افسردگی و مشکلات بین فردی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تنها دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت با افسردگی رابطه دارد و ابعاد صراحت و مردم‌آمیزی و پرخاشگری، شاخص مشکلات بین فردی میانجی این رابطه هستند. معنادار بودن اثر مستقیم بین دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت و افسردگی نیز حاکی از آن است که دشواری در صراحت و مردم‌آمیزی و پرخاشگری میانجی نسبی ارتباط بین این دو متغیر اند و متغیرهای دیگری نیز وجود دارند که در این رابطه نقش میانجی را ایفا می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که اختلال در روابط بین فردی یکی از مکانیزم‌هایی است که باعث می‌شود دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت با افسردگی همراه شود.

**واژه‌های کلیدی:** دوسوگرایی در ابراز هیجان، افسردگی، مشکلات بین فردی

### مقدمه

افسردگی، به دامنه ی وسیعی از مشکلات مرتبط با بهداشت روانی اطلاق می‌شود که با فقدان عاطفه ی مثبت (فقدان علاقه و لذت در امور و تجارب معمول و روزمره)، خلق پایین و دامنه‌ای از علایم

۱. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (نویسنده ی مسوول) kh\_alavi@yahoo.com

۲. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۳. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران

۵. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

هیجانی، شناختی، جسمانی و رفتاری مشخص می‌شود (مرکز مشارکت ملی بهداشت روانی انگلستان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ راهنمای توصیفی و آماری اختلالات روانی، ۲۰۱۳). تا سال ۲۰۰۰، این اختلال، چهارمین علت ناتوانی در جهان بود و پیش بینی شده است که تا سال ۲۰۲۰، از این نظر در رتبه دوم قرار گیرد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۱). به علت شیوع رو به رشد و عوارض بسیار گسترده ی افسردگی از جمله افزایش خطر خودکشی و تأثیرات منفی بر سازگاری اجتماعی، شغلی و خانوادگی (لیپن و بریلی، ۲۰۱۱) بررسی‌های آسیب‌شناسانه عوامل موثر در این اختلال ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از متغیرهای مهمی که در مطالعات سبب‌شناسی افسردگی مورد توجه قرار گرفته، مشکل در سازگاری هیجانی است (جان و گراس، ۲۰۰۴؛ کمبل‌سیلز، بارلو، براون، و هافمن، ۲۰۰۶؛ بتس، گالن، و آلن، ۲۰۰۹؛ کارسازی و هاشمی، ۲۰۱۵؛ بشارت، مسعودی، و لواسانی، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، یکی از مشکلات سازگاری هیجانی را «دوسوگرایی در ابراز هیجان» دانسته‌اند (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱). دوسوگرایی در ابراز هیجان، به عنوان گرایش به تردید نسبت به ابراز هیجان تعریف می‌شود. اعتقاد بر این است که ابراز یا عدم ابراز هیجان به خودی خود، نمی‌تواند مشکل‌ساز باشد بلکه آنچه مشکل ایجاد می‌کند، تعارض یا دوسوگرایی‌ای است که فرد در ابراز هیجان تجربه می‌کند (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ کینگ، ۱۹۹۳). پژوهش‌های دیگر نیز، از رابطه ی بین دوسوگرایی در ابراز هیجان با طیفی از آسیب‌های روانی و از جمله افسردگی حکایت دارد (تاکر، وینکلمن، کتر، و برماس، ۱۹۹۹؛ وینکلمن، ۲۰۰۰).

روابط بین فردی و اجتماعی مختل، عامل آسیب‌شناختی مهمی در افسردگی به‌شمار می‌رود. در پژوهش‌های لم، شوک، اسمیت و همکاران (۲۰۰۳) و بارت و باربر (۲۰۰۷) که روی نمونه ی بیماران مبتلا به افسردگی انجام شد، بین افسردگی و مشکلات بین‌فردی رابطه ی مثبت مشاهده شد. نتایج پژوهش راسل و کاترونا (۱۹۹۱) نیز نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی ادراک شده (یکی از نمودهای روابط بین‌فردی) و افسردگی، رابطه وجود دارد. گلنن (۱۹۹۵) معتقد است افرادی که توانایی درک و بیان حالت‌های هیجانی خود را ندارند، در مقایسه با افرادی که چنین توانمندی را دارا هستند، در ارتباط با محیط و دیگران سازگاری کمتری را نشان می‌دهند. در این راستا، مطالعات کینگ و امونز (۱۹۹۱)، هیزل و مونگرین (۲۰۰۴)، مونگرین و وتس (۲۰۰۳)، اسپوکاس، لاترک، و هیمبرگ (۲۰۰۹) و راتمن (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که دوسوگرایی در ابراز هیجان و با مشکلات بین‌فردی

و ناسازگاری اجتماعی همراه است. امونز و کلبی (۱۹۹۵) نشان دادند که حمایت اجتماعی، نقش واسطه ای در رابطه ی دوسوگرایی ابراز هیجان و بهزیستی روان شناختی دارد و با توجه به مطالب ارایه شده، هدف این پژوهش بررسی رابطه ی بین دوسوگرایی ابراز هیجان و افسردگی و نقش واسطه ای روابط بین فردی مختل در این زمینه بود.

## روش

این پژوهش، یک مطالعه ی توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه ی آماری آن را دانشجویان دانشگاه شاهد، دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران تشکیل می داد. بر اساس توصیه فریتز و مک کینان (۲۰۰۷) که در تحلیل های واسطه ای برای توان آماری آزمون ۰/۸، حجم نمونه بزرگتر از ۴۰۰ نفر را توصیه کرده اند، از این جامعه حجم نمونه ای در دسترس به تعداد ۵۰۰ نفر انتخاب شد و با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۲۰ درصد به این میزان افزوده شد و ۶۰۰ نفر با پرسشنامه های دوسوگرایی در ابراز هیجان<sup>۱</sup> (AEQ)، افسردگی بک<sup>۲</sup> (BDI-II) و مشکلات بین فردی<sup>۳</sup> (IIP) مورد آزمون قرار گرفتند که از این تعداد، ۵۲۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بسته ی ابزارهای سنجش، به همراه توضیحات مختصری برای معرفی طرح پژوهشی، نحوه ی استفاده از داده ها در راستای رعایت کدهای اخلاقی و نحوه ی تکمیل مقیاس ها در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت. در صورتی که آزمودنی پس از مطالعه ی توضیحات، موافقت خود را با شرکت در پژوهش اعلام می کرد، از وی خواسته می شد که پرسشنامه ها را تکمیل کند.

پرسشنامه ی دوسوگرایی در ابراز هیجان (AEQ) توسط کینگ و آمونز ارایه شده است. این پرسشنامه دارای ۲۸ عبارت دوسوگرایی در ابراز هیجان های مثبت و دوسوگرایی در ابراز هیجان های منفی را می سنجد و یک نمره ی کل نیز دارد. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در پژوهش های مختلف مورد تایید قرار گرفته است (کینگ و آمونز، ۱۹۹۰).

ویرایش دوم پرسشنامه ی افسردگی بک (BDI-II) که در سال ۱۹۹۶، توسط بک و همکاران ارایه شد و از ۲۱ ماده چند گزینه ای تشکیل شده است. این پرسشنامه به عنوان یکی از بهترین شاخص های خود گزارشی افسردگی پذیرفته شده است (دوزویس و دابسون، ۲۰۱۰). اعتبار و پایایی این پرسشنامه ها در پژوهش های مختلف تایید شده است (دوزویس و دابسون، ۲۰۱۰).

پرسشنامه ی مشکلات بین فردی (IIP) دارای ۳۲ گویه است و توسط بارکهام، هاری و استارتاپ (۱۹۹۶) تدوین شده است. پایایی و اعتبار پرسشنامه در پژوهش های مختلف تایید شده است (فتح، آزاد فلاح، طباطبایی و همکاران، ۲۰۱۳).

برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر برای بررسی مدل واسطه ای فرض شده بین متغیرهای پژوهش استفاده شد. پیش از انجام تحلیل مسیر، مفروضه های این روش شامل وجود بهنجاری چندمتغیری، عدم وجود داده های از دست رفته<sup>۱</sup> و عدم وجود داده های پرت چند متغیری<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این بررسی حاکی از برقراری مفروضه های یادشده است. داده ها با بیست و دومین نرم افزار SPSS و نرم افزار AMOS تحلیل شد.

### یافته ها

از مجموع ۵۲۱ آزمودنی که مورد بررسی قرار گرفتند، ۸۰/۶ درصد مونث و ۱۹/۴ درصد مذکر بودند. همچنین از این تعداد، ۸۶/۶ درصد دانشجوی کارشناسی، ۵/۴ درصد دانشجوی دکتری عمومی پزشکی و ۸ درصد دانشجوی تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری تخصصی) بودند. میانگین سنی آزمودنی ها نیز ۲۰/۲۲ سال با انحراف معیار ۴/۶۲ درصد بود. یافته های توصیفی مربوط به اجرای ابزارهای پژوهش در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱. یافته های توصیفی مربوط به اجرای ابزارهای پژوهش

Sd	M	شاخص
۹/۶۶	۱۲/۲۱	پرسشنامه ی افسردگی بک (BDI-II)
۷/۷۵	۲۸/۲۱	دو سوگرایی در ابراز هیجان های مثبت (AEQ)
۷/۸۳	۴۲/۱۳	دوسوگرایی در ابراز هیجان های منفی
۱۳/۷۱	۷۰/۳۵	نمره ی کل
۵/۱	۱۴/۹۸	صراحت و مردم آمیزی
۲/۹۳	۱۱/۷۴	گشودگی
۲/۸۴	۱۲/۵۳	در نظر گرفتن دیگران
۳/۳۴	۷/۷۳	پرخاشگری
۴/۷۱	۱۴/۴۴	حمایت گری و مشارکت
۲/۵۴	۸/۴۲	وابستگی
۱۳/۷۱	۷۰/۳۵	نمره کل

به منظور بررسی مدل واسطه‌ای مورد نظر این مطالعه، از تحلیل مسیر استفاده شد. در تحلیل یادشده برای بررسی متغیرهای واسطه‌ای (اثرهای غیر مستقیم)، روش بوت استرپ<sup>۳</sup> (پریچر و هیس، ۲۰۰۸) مورد استفاده قرار گرفت. در این روش تعداد میزان باز تولید نمونه ۲۰۰۰ بار و فاصله ی اطمینان برابر ۹۵٪ تعیین شد.

جدول ۲. جدول همبستگی متغیرهای موجود در مدل مورد مطالعه

دوسوگرایی در ابراز هیجان					
نمره کل	منفی	مثبت	افسردگی	متغیرهای مدل	
۰/۸۸	۰/۵۵	۱	**۳۷	دو سوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت	مشکلات بین فردی
۰/۸۸	۱		**۲۵	دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی	
۱	-	-	**۳۵	نمره ی کل	
**۰/۳۹	**۰/۲۲	**۰/۴۷	**۰/۴۵	صراحت و مردم‌آمیزی	
** -۰/۱۶	-۰/۰۲	** -۰/۲۷	* -۰/۱۱	گشودگی	
**۰/۲۳	**۰/۳۰	*۰/۱۰	**۰/۱۴	در نظر گرفتن دیگران	
**۰/۲۱	**۰/۱۲	**۰/۲۵	**۰/۳۴	پرخاشگری	
**۰/۲۴	۰/۰۷	**۰/۳۶	**۰/۳۳	حمایت‌گری و مشارکت	
**۰/۳۸	**۰/۳۴	**۰/۳۲	**۰/۳۱	وابستگی	
**۰/۴۲	**۰/۳۰	**۰/۴۵	**۰/۵۰	نمره ی کل	

جدول ۳، شاخص‌های برازش مدل و جدول ۴، اثرهای مستقیم<sup>۱</sup>، غیر مستقیم<sup>۲</sup> و کلی<sup>۳</sup> را نشان می‌دهد. همچنین برای اطلاع از رابطه ی دو به دوی متغیرها، ضرایب همبستگی پیرسون در جدول ۲، گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل تحلیل مسیر

AGFI	GFI	NFI	CFI	RMSEA (90% CI)	$\chi^2/df$
۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۳۶ (-۰/۰۶۲)	۱/۶۷

بر اساس نتایج جدول ۳، شاخص‌های نیکویی برازش از برازش مطلوب مدل حکایت دارند. همچنین جدول ۴، نشان می‌دهد تنها دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت است که با افسردگی رابطه دارد و ابعاد دشواری در صراحت و مردم‌آمیزی و پرخاشگری شاخص مشکلات بین فردی میانجی این رابطه

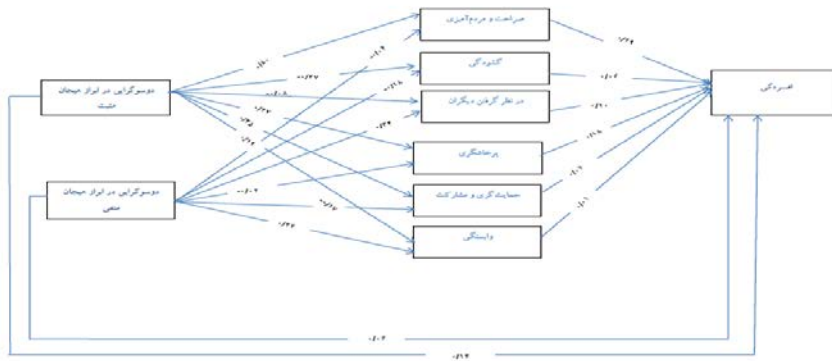
هستند. معنادار بودن اثر مستقیم، میانجی نسبی بودن مشکلات بین فردی در ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. اثرهای مستقیم، غیر مستقیم و کلی بین متغیرها

اثر کلی	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مسیرهای ساختاری
***۰/۳۳	**۰/۱۴	***۰/۱۹	دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به افسردگی
۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۲	دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به افسردگی
	***۰/۵۰		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به صراحت و مردم آمیزی
	***-۰/۳۷		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به گشودگی
	-۰/۰۸		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به در نظر گرفتن دیگران
	***۰/۲۷		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به پرخاشگری
	***۰/۴۵		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به حمایت‌گری و مشارکت
	***۰/۱۹		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت به وابستگی
	-۰/۰۶		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به صراحت و مردم آمیزی
	***-۰/۱۸		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به گشودگی
	***۰/۳۴		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به در نظر گرفتن دیگران
	-۰/۰۲		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به پرخاشگری
	***-۰/۱۷		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به حمایت‌گری و مشارکت
	***۰/۲۴		دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی به وابستگی
	***۰/۲۹		صراحت و مردم آمیزی به افسردگی
	۰/۰۶		گشودگی به افسردگی
	۰/۱۰		در نظر گرفتن دیگران به افسردگی
	***۰/۱۸		پرخاشگری به افسردگی
	۰/۰۷		حمایت‌گری و مشارکت به افسردگی
	۰/۰۱		وابستگی به افسردگی

\* $P \leq 0.05$ , \*\* $P \leq 0.01$ , \*\*\* $P \leq 0.001$

همچنین دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت بر ابعاد دشواری در صراحت و مردم آمیزی، پرخاشگری، دشواری در حمایت‌گری و مشارکت و وابستگی اثر مستقیم مثبت و بر گشودگی افراطی اثر مستقیم منفی دارد. دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های منفی نیز بر ابعاد در نظر گرفتن افراطی دیگران و وابستگی، اثر مستقیم مثبت و بر ابعاد دشواری در حمایت‌گری و مشارکت و گشودگی افراطی اثر مستقیم منفی دارد. یافته‌ها، حاکی از نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی در رابطه با دوسوگرایی در ابراز هیجان و بهزیستی روان شناختی است.



نمودار ۱. مدل تحلیل مسیر و ضرایب استاندارد مسیرهای بین متغیرها

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای مشکلات بین‌فردی در ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و افسردگی انجام شد. نتایج این پژوهش، حاکی از رابطه‌ی بین دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت و افسردگی است و ابعاد دشواری در صراحت و مردم‌آمیزی و پرخاشگری، شاخص مشکلات بین‌فردی، نقش میانجی نسبی را در این رابطه دارد. این بدان معناست که ایجاد اختلال در روابط بین فردی یکی از مکانیزم‌هایی است که باعث می‌شود، تعارض و دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت با افسردگی همراه شود. این یافته همسو با یافته‌های پیشینی است که از ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان (به طور کلی) و افسردگی حکایت دارند (کینگ و آمونز، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱؛ تاکر و همکاران، ۱۹۹۹؛ وینکلن، ۲۰۰۰). همچنین، یافته‌های به دست آمده از ارتباط بین افسردگی و مشکلات بین-فردی که در ادبیات پژوهش بر آن تاکید شده است (بارت و باربر، ۲۰۰۷؛ راسل و کاترونا، ۱۹۹۱؛ لم و همکاران، ۲۰۰۳) حمایت می‌کند.

نتایج این مطالعه، با مطالعاتی که نشان‌دهنده‌ی ارتباط بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و مشکلات بین-فردی هستند (امونز و کلیبی، ۱۹۹۵؛ کینگ و امونز، ۱۹۹۱؛ اسپوکاس و همکاران، ۲۰۰۹؛ مونگرین و وتس، ۲۰۰۳؛ هیزل و مونگرین، ۲۰۰۴)، همخوانی دارد. در نهایت یافته‌های این پژوهش با پژوهش آمونز و کلیبی (۱۹۹۵) که حاکی از نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی در رابطه با دوسوگرایی در ابراز هیجان و بهزیستی روان‌شناختی است، همسویی دارد. نکته‌ی قابل توجه دیگر در این رابطه آن است که تنها دوسوگرایی در هیجان‌های مثبت است که با افسردگی رابطه دارد. در تبیین این یافته، می‌توان

به دو دسته از مطالعات اشاره کرد؛ نخست آن که یافته ی یاد شده، با یافته‌های مطالعاتی که نشان داده‌اند اختلال افسردگی بیشتر با مشکل در هیجان‌های مثبت ارتباط دارد تا هیجان‌ها منفی، همسو است؛ به عنوان مثال، نتایج مطالعه ی بیلو، فرناندو، کلوک و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که رابطه ی نمره‌های افسردگی با فرونشانی هیجان‌های مثبت قوی‌تر از رابطه ی آن با فرونشانی هیجان‌های منفی است. در این راستا هچمن، رایلا، چیاو، و گرابر (۲۰۱۳) نیز اختلال افسردگی عمده را به عنوان یک اختلال هیجانی که مشخصه ی آن، اختلال در هیجان‌های مثبت است، معرفی کرده‌اند. از سوی دیگر، باید به یافته‌های پژوهشی و دیدگاه‌های نظری اشاره کرد که به تبیین رابطه ی هیجان‌های مثبت و مشکلات بین فردی و در نتیجه مکانیسم اثر این هیجان‌ها در افسردگی کمک می‌کند، اشاره کرد. در این رابطه وافر و فردریکسون (۲۰۰۶) معتقدند که هیجان‌های مثبت به افراد کمک می‌کند، اجتماعی‌تر باشند و روابط بین فردی موفق‌تری داشته باشند. بر اساس این دیدگاه، هیجان‌های مثبت احساس فرد از خویشتن را به گونه‌ای وسعت می‌بخشد که دیگران را نیز شامل شود. این موضوع در طول زمان منجر به شکل‌گیری احساس همپوشانی خود-دیگری یا به نوعی احساس «وحدت» می‌شود. احساس همپوشانی خود-دیگری پیش‌بینی‌کننده ی درک بیشتر نسبت به دیگران است که خود به گسترش و تداوم روابط بین-فردی می‌انجامد. شیوتا، کمپس، کلتنر، هرنتستین (۲۰۰۴) نیز معتقدند بر خلاف هیجان‌های منفی که اثرات آنها غالباً درون فردی است، هیجان‌های مثبت نقش مهمی در تعاملات بین فردی ایفا می‌کنند. به اعتقاد این مولفان، یکی از شواهد این دیدگاه آن است که هیجان‌های مثبت متعددی چون همدردی و شهوت وجود دارد که تعریف آنها دربرگیرنده ی هدف‌های بین فردی و اجتماعی است. بر این اساس به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که هیجان‌های مثبت در روابط بین فردی دارد، دوسوگرایی در ابراز این دسته از هیجان‌ها به آسیب‌ها و مشکلات بیشتر در روابط بین فردی منجر می‌شود و از این طریق در افسردگی نقش ایفا می‌کند. علاوه بر این، تبیین دیگری را می‌توان بر اساس واکنش‌های بیرونی به ابراز و عدم ابراز هیجان‌های مثبت و منفی ارایه داد. جامعه، ابراز هیجان‌های منفی را تشویق نمی‌کند و حتی ممکن است ابراز این نوع هیجانها با پیامدهای منفی (تنبیه) همراه شود. در مقابل، کنترل و عدم ابراز هیجان‌های منفی در روابط اجتماعی، گاه یک ارزش به شمار می‌آید و احتمالاً با پیامدهای مثبت اجتماعی همراه می‌شود. بر این اساس، این احتمال وجود دارد که به دلیل همسو بودن دوسوگرایی در ابراز هیجان منفی و متعاقب آن فرونشانی این نوع هیجان با خواست جامعه، این بعد از دوسوگرایی غالباً تقویت اجتماعی دریافت کند. این در حالی است که در دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت، این تقویت مثبت و توجیه بیرونی که احتمالاً به تخفیف تعارض و دوسوگرایی یاد شده می‌انجامد، وجود



ندارد و در نتیجه، تعارض تجربه شده آزاردهنده تر و آسیب‌زاتر است. مقایسه ی ضرایب مسیر بین دوسوگرایی در ابراز هیجان‌های مثبت و منفی و ابعاد مشکلات بین‌فردی نیز نشان می‌دهد که دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت بیش از دوسوگرایی در ابراز هیجان منفی با مشکلات بین‌فردی همراه است و از این طریق منجر به تجربه ی علایم افسردگی می‌شود.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، ضرایب مسیر منفی بین دوسوگرایی در ابراز هیجان و ابعاد مشکلات بین‌فردی است. بر این اساس، هم دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت و هم دوسوگرایی در ابراز هیجان منفی بر گشودگی افراطی اثر منفی دارند که با توجه به ماهیت دوسوگرایی که با فرونشانی همراه است و در نقطه ی مقابل گشودگی قرار می‌گیرد، قابل تبیین است. نکته قابل توجه دیگر آن است که دوسوگرایی در ابراز هیجان منفی بر ناتوانی در حمایت‌گری و مشارکت نیز اثر منفی دارد که با توجه به مطالبی که در بند فوق ذکر شد، می‌توان این انتظار را داشت که در برخی موارد دوسوگرایی در ابراز و در نتیجه ی فرونشانی هیجان منفی اثر کاهنده بر مشکلات بین‌فردی داشته باشد.

#### References

- American Psychiatry Association (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5<sup>th</sup>ed.)*. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Barkham, M., Hardy, G. E., & Startup, M. (1996). The IIP-32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *British Journal of Clinical Psychology*, 35(1), 21-35.
- Barrett, M. S., & Barber, J. P. (2007). Interpersonal profiles in major depressive disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 63(3), 247-266.
- Beblo, T., Fernando, S., Klocke, S., Gripenstroh, J., Aschenbrenner, S., & Driessen. M. (2012). Increased suppression of negative and positive emotions in major depression. *Journal of Affective Disorders*, 141(2-3), 474-479.
- Besharat, M. A., Masoodi, M., & Lavasani. M. (2014). Alexithymia and psychological and physical vulnerability. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 9(34), 47-56. (Persian)
- Betts, J., Gullone, E., & Allen, J.S. (2009). An examination of emotion regulation, temperament, and parenting style as potential predictors of adolescent depression risk status: a correlational study. *The British Journal of Developmental Psychology*, 27, 473-485.
- Campbell-Sills, L., Barlow, D.H., Brown, T.A., & Hofmann, S.G., (2006). Acceptability and suppression of negative emotion in anxiety and mood disorders. *Emotion*, 6: 587-595.
- Dozois, D. J. A., & Dobson, K (2010). Depression. In: M. M Antony & D. H Barlow(Eds). *Handbook of assessment and treatment planning for psychological disorders. 2<sup>nd</sup> edition*. New York: Guilford Press.
- Emmons, R. A., & Colby, P.M. (1995). Emotional conflict and well being, relation to perceived availability. Daily utilization and observer reports of social support. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(5), 947 - 959.
- Fath, N., Azadfallah, P., tabatabayi, K., & Rahimi, C. (2013). Validity reliability of the inventory of interpersonal problems. *Clinical psychology*, 5(3), 69-80. (Persian)
- Fritz, Matthew. S., & MacKinnon, David. P. (2007). Required Sample Size to Detect the Mediated Effect. *Psychological Science*, 18(3), 233-239.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. New York: Bantam books.
- Heisel, M. J., & Mongrain, M. (2004). Facial Expressions and Ambivalence: Looking for Conflict in All the Right Faces. *Journal of Nonverbal Behavior*, 28(1), 35-52.
- Hechtman, L. A., Raila, H., Chiao, J. Y., & Gruber, J. (2013). Positive emotion regulation and psychopathology: A transdiagnostic cultural neuroscience approach. *Journal of Experimental Psychopathology*, 4(5):502-528.

- John, O. P., & Gross, J. J. (2004). Healthy and unhealthy emotion regulation: personality processes, individual differences, and life span development. *Journal of Personality*, 72(6), 1301-1333.
- Karsazi, H., & Hashemi, T. (2015). Structural relationship of brain - behavior systems and difficulty in regulation with social anxiety disorder and depression. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 9(37), 77-88. (Persian)
- King, L. A., & Emmons, R. A. (1990). Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 864-877.
- King, L. A., & Emmons, R. A. (1991). Psychological, physical, and interpersonal correlates of emotional expressiveness, conflict, and control. *European Journal of Personality*, 5, 131-150.
- King, L. A. (1993). Emotional Expression, ambivalence over expression and marital satisfaction. *Journal of Social and Personal Relations*, 10, 601-607.
- Lam, D., Schuck, N., Smith, N., Farmer, A., & Checkley, S. (2003). Response style, interpersonal difficulties and social functioning in major depressive disorder. *Journal of Affective Disorders*, 75(3), 279-283.
- Lépine, J. P., & Briley, M. (2011). The increasing burden of depression. *Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 7(1), 3-7.
- Mongrain, M., & Vetteuse, L. C. (2003). Conflict over emotional expression: implications for interpersonal communication. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(4), 545-555.
- National Collaborating Centre for Mental Health. (2004). Depression: Management of depression in primary and secondary care: *The British Psychological Society and Gaskell*.
- Rothman, N. B. (2011). Steering sheep: How expressed emotional ambivalence elicits dominance in interdependent decision making contexts. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116(1), 66-82.
- Russell, D. W., & Cutrona, C. E. (1991). Social support, stress, and depressive symptoms among the elderly: test of a process model. *Psychological Aging*, 6(2), 190-201.
- Spokas, M., Luterek, J. A., & Heimberg, R. G. (2009). Social anxiety and emotional suppression: The mediating role of beliefs. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 40, 283-291.
- Tucker, J. S., Winkelman, D. K., Katz, J. N., & Bermas, B. L. (1999). Ambivalence Over Emotional Expression and Psychological Well-Being Among Rheumatoid Arthritis Patients and Their Spouses. *Journal of Applied Social Psychology*, 29 (2), 271-290.
- Waugh, C. E., & Fredrickson, B. L. (2006). Nice to know you: Positive emotions, self-other overlap, and complex understanding in the formation of a new relationship. *Journal of Positive Psychology*, 1(2), 93-106.
- WHO. (2001). *The World health report: Mental health: new understanding, new hope*. Geneva.
- Winkelman, D. K. (2000). The Relationship Among Ambivalence over the Inhibition and Expression of Specific Emotions, Physical Health, and Psychological Well-Being. (PhD thesis, Brandeis University). Zlotnick, C., Kohn, R., Keitner, G., & Della Grotta, S. A. (2000). The relationship between quality of interpersonal relationships and major depressive disorder: findings from the National Comorbidity Survey. *Journal of Affective Disorders*, 59(3), 205-215.

Journal of  
Thought & Behavior in Clinical Psychology  
Vol. 9 (No. 41), pp. 27-36, 2016

### **Relationship between ambivalence over emotional expression and depression: The intermediary role of interpersonal problems**

Alavi, Khadijeh

**Shahed University. Tehran, Iran**

Asghari Moghaddam, Mohammad Ali

**Shahed University. Tehran, Iran**

Rahiminejad, Abbas

**Tehran University. Tehran Iran**

Farahani, Hojatolah

**Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran**

Allameh, Zahra

**Shahed University. Tehran Iran**

Received: Dec 25, 2016

Accepted: Feb 29, 2016

Increasing prevalence and wide range consequences of depression indicate the necessity of investigating psychopathological factors associated with this disorder. Study of intermediary effects is a standard method for investigating pathological models. This study has examined the relationship between ambivalence over emotional expression and depression and the intermediary role of interpersonal problems in this relationship.

Therefore, in a descriptive correlational study, a sample of 521 (420 female and 101 male) students from three universities in Tehran (Shahed University, Tehran University and Islamic Azad University-Tehran medical branch) in academic year 2015-2016 were selected through availability sampling method and evaluated by Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire (AEQ), Beck Depression Inventory (BDI-II), and Inventory of Interpersonal Problems (IIP). Path analysis method of the data revealed that only ambivalence over positive emotional expression is related to depression and aspects such as [difficulties in] assertiveness, sociability, and aggressiveness are the indications of intermediary role of interpersonal problems in this context. The significance of direct effect between ambivalence over positive emotional expression and depression is also demonstrating that [difficulties in] assertiveness, sociability, and aggressiveness are comparative mediators in the relationship of these two variables, and that there are other variables acting as mediators. According to this study, it is concluded that disturbance in interpersonal relationships is one of the mechanisms that link ambivalence over the expression of positive emotions to depression.

**Keywords:** Ambivalence over emotional expression, Depression, Interpersonal problems

*Electronic mail may be sent to: kh\_alavi@yahoo.com*